

فرهنگ مدرن اروپا ریشه در قرن چهاردهم دارد که با دوران رنسانس مصادف است. در آن زمان فرهنگ باستانی چین سهم بسزایی در ستیز با ایدئولوژی فئودالی اروپاییان ایفا کرد. پیشگامان تفکر اروپای مدرن از اصول و عناصر فرهنگی چینی‌ها سود بسیار جستند و با تکیه بر آن تفکر روش فکری نوپای خود را مورد حمایت قرار دادند.

جوآئو دو بارس^۱ (۱۵۷۰ - ۱۴۹۶) محقق سرشناس پرتغالی در کتاب‌های خود به نام سی‌امین تاریخ^۲ و تاریخ دهه‌ها^۳ از چین به عنوان یک کشور بشردوست یاد کرده و اظهار می‌دارد ملت چین علاقه زیادی به ترقی فرهنگ جهانی دارد، ولی اروپاییان تنها به خود می‌نگرند و سود و منفعت خود را در نظر می‌گیرند نه سود و منفعت دیگر ملت‌های جهان را. بدین طریق جوآئو دو بارس اروپاییان را با چینی‌ها مقایسه کرده و از فرهنگ محافظه کارانه و کوتاه‌بینانه آنان انتقاد می‌نماید.

یکی دیگر از اندیشمندان برجسته فرانسه به نام دیدرو (۱۷۸۴ - ۱۷۱۳) در دایرةالمعارف، مردم چین را چنین ارزیابی می‌کند: مردم چین انسان‌های خوش قلبی هستند. اگرچه از شعرا، فلاسفه، ستاره‌شناسان، مهندسان و جغرافی‌دانان بزرگ اروپا برتر نبودند ولی از لحاظ حسن نیت و پایبندی به اصول اخلاقی از آنان جلوتر بودند.

گوتوالس مندوز^۴ (۱۶۱۸ - ۱۵۴۵) مبلغ اسپانیایی، در کتاب خود احساسات شدید و شورانگیز وطن‌پرستی ملت چین را توصیف کرده و همواره آنان را به خاطر آرامش و استواری و دانایی‌شان ستوده است. یک انسان دوست ایتالیایی با نویسنده مکاتبه کرده و اظهار داشت مردم فرانسه در مقایسه با ملت چین خیلی ناچیز و خرد هستند، زیرا زندگی یکپارچه و هماهنگی ندارند. او زندگی آرام و صلح‌آمیز چینیان را مورد تحسین قرار داده و از جنگ



تأثیر فرهنگ چین بر اروپا

ترجمه مرضیه دشتکی

و ستیز فرانسویان با یکدیگر انتقاد می‌کند. نویسنده در چاپ بعدی کتاب این گونه نوشت: نظام فرهنگی و سیاسی چینی‌ها در بسیاری از جهات از اروپاییان پیشی گرفته و این تاریخ باستان چین است که تصویری از نظم نوین جهانی را برای اروپاییان ترسیم می‌کند. مسیحیان باید در برابر صبر و شکبایی چینیان شرم‌منده باشند.

فرهنگ چین امید تازه‌ای برای اروپاییان به ارمان آورد و روح تازه‌ای در کالبد مرده آنان دمید. انتقاد مذهبی پدیده‌ای شگفت بود که در زمان فعالیت مبلغان مسیحی در کشور چین به وقوع پیوست. این انتقاد توسط چینی‌ها و به واسطه فرهنگ آنان صورت گرفت. در اواخر قرن شانزدهم میلادی، مبلغان مسیحی در چین که عضو نسطوری‌ها بودند، مخالفت خود را با اصلاحات مذهبی اروپا ابراز داشتند. اقامت آنان در کشور کهنسال چین باعث شد از آداب و رسوم چین تأثیرپذیرند. در سال ۱۶۵۸ میلادی، مارتین مارتینی میسیونر ایتالیایی مطالعات تاریخی خود را در کتابی به نام تاریخ اولیه چین^۵ به چاپ رساند. این اولین کتابی بود که درباره تاریخ چین در اروپا به چاپ می‌رسید.

میتوریچی^۶ (۱۶۱۰ - ۱۵۵۲) اولین میسیونر کاتولیک در چین، از کنفوسیوس به عنوان کسی که در آثارش به اخلاقیات دعوت می‌کند، تعریف و تمجید می‌کند. او اظهار می‌دارد تقوی و راه و روش زندگی کنفوسیوس، پیروانش را بر آن داشت تا به او به دیده یک حکیم بنگرند، یعنی او ارزشمندتر و والاتر از نجیب‌زاده غربی است. چندی بعد کنفوسیوس در کتاب‌های علم، سیاست و اخلاق مردم چین نوشته ایترستا^۷، زندگی‌نامه کنفوسیوس نوشته کاپاست^۸، گزارشی از مشاهدات تازه در چین نوشته گمت^۹ بسیار مورد ستایش قرار گرفت. نویسندگان این کتاب‌ها همگی مبلغ مسیحی بودند. این مبلغین، مکتب کنفوسیوس را سرچشمه‌ای برای دیگر

فرهنگ‌ها می‌دانستند و آن را تحسین می‌کردند. واتیکان به وضوح این حقیقت تلخ را احساس نمود و از سال ۱۶۴۵ میلادی چندین حکم منع برای نمایندگان در چین صادر کرد و از آنان خواست تا کلیه روابط فرهنگی خود را با چینی‌ها قطع کنند. واتیکان همچنین فعالیت‌های گمت^{۱۰} را کنترل شدید کرد و به وی هشدار داد.

در دوره رنسانس، نمایندگان مکاتب مختلف نظیر دکارتس^{۱۱}، لیبنیتس^{۱۲}، ولف، ولتر، دیدرو و ... علاقه زیادی به آداب و رسوم و فرهنگ چین نشان دادند. ولتر نمایشنامه‌ای به نام «یتیم چینی» نوشت. این نمایش حکایت چنگیزخان است که در دشت‌های مرکزی چین به دنبال آخرین طفل بازمانده از خاندان سلطنتی سونگ می‌گردد. شخصیت‌های اصلی داستان، زن و شوهری هستند که از طفل نگهداری می‌کنند. آنان ثمد وجدان و وظیفه‌شناسی، اخلاق و آداب و سنن چین هستند. شخصیت دیگر، چنگیزخان است که ثمد فرهنگ بیگانه به شمار می‌آید. در انتها، چنگیز تحت تأثیر شجاعت و از جان گذشتگی و صداقت و وفاداری غیر متزلزل زوج جوان قرار گرفت و در عرصه جنگ انسانیت را تجربه می‌کند.

ولتر در آسارش به فرهنگ چین می‌پردازد تا در حقیقت مقدمات آینده‌ای روشن را برای جهانیان فراهم سازد.

ولف در کتاب خود تحت عنوان فلسفه عملی چین، علت نفوذ فرهنگ چین در اروپا را اصول اخلاقی و رفتار سیاسی مناسب چینی‌ها با اروپاییان دانست و قوانین اخلاقی ملت چین را مورد تأیید قرار داد. سران کشور این مسئله را ضدیت با معتقدین مسیحی دانستند و او را مورد خشم و غضب قرار دادند و او را از تدریس در دانشگاه محروم ساختند و به فرمان پادشاه تبعیدش کردند و گروهی از طرفدارانش را نیز با وی همراه ساختند. این تاریخچه هر چند کوتاه و مختصر،

به وضوح ارزش واقعی فرهنگ چین را در شکل‌گیری فرهنگ اروپای جدید نشان می‌دهد.

منابع:

1. Joao do Barros
2. The Thirtieth History
3. Histories of the Decades
4. Juan Gonzalez de Mendozza
5. China's Earliest History
6. Matteo Ricco
7. China's Science, Politics, and Ethics, Prosper Imter Cetta
8. Biology of Chian's Philosopher Confucius, Philippus Couplet
9. China New Observation Report, L.P. Louis Comte
10. Descartes
11. Leibnitz
12. Wolff
13. Voltaire
14. Diderot
15. Wolff, China's Practical Philosophy

با تشکر از اداره کل فرهنگی آسیا و اقیانوسیه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

